



بیانات حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد حاج علی اکبری

پیرامون حماسه ۹ دی سال ۱۳۸۸





حماسه ۹ دی

تهیه شده در دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری
در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

فصل اول انحراف از فطرت

- ۹..... ترجیح باطل بر حق؛ امری که باید از آن به خدا پناه برد
- ۱۰..... فطرت انسان حق پذیر است
- ۱۰..... علل ترجیح دادن باطل بر حق
- ۱۱..... ۱- شبهه
- ۱۱..... ۲- شهوت
- ۱۲..... هیچ کس در امان نیست
- ۱۴..... فتنه در کلام امیر المومنین علی (ع)
- ۱۴..... مصداق تاریخی فتنه در صدر اسلام
- ۱۶..... ضرورت توجه به معاد

فصل دوم نهم دی؛ یوم الله

- ۱۹..... تلاش دشمن برای ناکام گذاشتن انقلاب اسلامی
- ۲۰..... طلوعه‌ی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی
- ۲۲..... روزهای خدایی در انقلاب اسلامی
- ۲۲..... یکی از مصداق‌یوم الله
- ۲۳..... تلاش دشمن برای تحریف حماسه‌ی ۹ دی

فصل سوم فتنه سال ۸۸؛ سناریوی از پیش طراحی شده

- ۲۵..... تبیین ابعاد مختلف فتنه‌ی ۸۸
- ۲۷..... خسارت‌های جریان فتنه
- ۲۸..... جرم فتنه‌گران:
۱. امیدوار کردن دشمن
۲. خدشه وارد ساختن به حیثیت ایران

۳. ضربه زدن به امید دوستان انقلاب اسلامی در سراسر عالم... ۲۸
۴. قانون شکنی ۲۹
۵. نابود کردن سرمایه اجتماعی انتخابات ۲۹
۶. ایجاد آشوب و هرج و مرج ۲۹
۷. ایجاد اختلاف در جامعه ۳۱
۸. خسارت‌های اقتصادی ۳۱
- هشت ماه سرنوشت‌ساز ۳۱
- دو پدیده‌ای که دشمن از آن غافل بود ۳۲
۱. ولایت فقیه ۳۲
۲. ملتی هوشیار و ولایت‌مدار ۳۴
- حماقت دشمن در فتنه‌ی ۸۸ ۳۴

فصل چهارم انجمن اسلامی؛ کانون بصیرت

- تولید بصیرت، مهم‌ترین وظیفه‌ی انجمن اسلامی ۳۷
- لزوم افشای جریان فتنه در مدارس ۳۷
- افق تازه در فعالیت تشکل‌های اسلامی ۳۸
- فعالیت سیاسی، آری؛ سیاسی‌بازی، ممنوع ۳۹
- انقلاب ایران، زمینه‌ساز ظهور ۴۱
- تأثیرات شگرف انقلاب اسلامی در سراسر جهان ۴۱

مقدمه:

مردم در هر کشور و جامعه‌ای، اگر چنانچه همت کنند، بصیرت به خرج بدهند، عمل کنند و وارد میدان بشوند؛ همه مشکلات را می‌توانند حل کنند. یعنی بزرگترین کوه‌ها در مقابل حضور مردم از بین می‌رود. می‌توانند کوه‌های بزرگ را جابجا کنند؛ این یک حقیقت آشکاری است که بسیاری از تحلیل‌گران اجتماعی در کشورهای اسلامی و دیگر کشورها، این حقیقت را درست لمس و درک نکرده‌اند اما ما این را لمس کرده‌ایم.

۹ دی یک نمونه‌ای بود از همان خصوصیتی که در خود انقلاب وجود داشت. یعنی مردم احساس وظیفه دینی کردند و دنبال این وظیفه، عمل صالح خودشان را انجام دادند. عمل صالح این بود که بیایند تو خیابان، نشان بدهند و بگویند مردم ایران، این‌ها هستند. حجم عظیم تبلیغات دشمن، می‌خواست فتنه‌گران را مردم ایران معرفی کند و اینجور نشان بدهد که مردم ایران از انقلابشان، از نظامشان برگشتند. آن تبلیغات دشمن، با این حرکت مردم، به کلی نقش بر آب شد. یعنی مردم نشان دادند که این اجتماع، مردم ایران است. تحلیل‌گران خارجی وقتی نگاه کردند، گفتند: از بعد از رحلت امام بزرگوار یا شاید بعضی گفتند از بعد از حرکات اول انقلاب، هیچ اجتماعی با این بزرگی، با این طپش با این شور و هیجان وجود نداشته است که مردم وارد میدان شدند. این است حقیقت ۹ دی. این حرکت، حرکت بزرگی بود و کار بزرگی هم انجام گرفت.

مقام معظم رهبری

۱۳۹۰/۹/۲۱

فصل اول

انحراف از فطرت

ترجیح باطل بر حق؛ امری که باید از آن به خدا پناه برد

در متن دعای هشتم صحیفه نوریه مبارکه عرشیه مطرح شده، «اللهم انی اغوذ بک من ایثارِ الْبَاطِلِ عَلَی الْحَقِّ»^۱ خدایا به تو پناه می‌بریم از اینکه باطل را بر حق ترجیح دهیم. قرآن می‌فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ»^۲ این‌ها همه دلیل آن است که خدا خود حق است و غیر از او هر چه را که می‌خوانند باطل است». حق، همان متن هستی است. حق، استوار است، متین است، جذاب است، دلنشین است و سعادت‌آفرین. هر چه که مرتبط با حضرت حق است - که ما به خدای متعال هم طبق تعریف خودش حق می‌گوییم - آن هم حق است. دینش حق است، قرآنش حق است، سخنش حق است، صفاتش حق است، اسمائش حق است، افعالش حق است، خلقتش حق است، بر مدار حق است، آغازش حق است، فرجامش حق است، انجامش حق است، معادش حق است، راستی، عدل، عقل، مکارم و همه‌ی این‌ها به خدای متعال برمی‌گردد؛ یا به ذات حق یا به اسماء حق یا به افعال حضرت حق. اما باطل، به قول قرآن کریم هر چه غیر از او است، باطل، فانی، زوال‌پذیر، از بین رفتنی، نمود، بودنما و هستی‌نما است؛ یعنی هستی ناب نیست؛ بلکه خودش را این‌گونه نشان می‌دهد.

۱. دعای هشتم صحیفه سجادیه

۲. لقمان آیه ۳۰

فطرت انسان حق پذیر است

خداوند تبارک و تعالی، فطرت انسان را بر حق آفریده است؛ چنان که در قرآن می‌فرماید: «فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ؛^۳ سرشتی که خدا مردم را بر آن آفریده است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست».

فطرت انسان، حق شناس، حق‌گرا و حق‌پذیر است و کاملاً بر مدار حق آفریده شده است. انسان بر اساس فطرتش و خلقت اصلی خود حق را بر باطل ترجیح می‌دهد؛ حق‌گرا است؛ حق را می‌شناسد، متمایل بر حق است. در برابر دین حق، سخن حق، رفتار حق و صفات حق، تسلیم است و آن‌ها را می‌پذیرد و حاضر است برای آن سرمایه‌گذاری کند و حتی جان بدهد. بنابراین هر جا که خروج از جاده حق اتفاق می‌افتد، پرده‌برداری می‌کند از اینکه این شخص دچار اعوجاج فطری شده و از مسیر و صراط مستقیم فطرت خارج شده است.

علل ترجیح دادن باطل بر حق

انسان ممکن است بر اثر انحراف از فطرت، از حق عبور کند یا کارش به جایی برسد که باطلی را بر حق ترجیح دهد. که از آن در متن نورانی دعای هشتم صحیفه سجادیه به «إِثَارِ الْبَاطِلِ عَلَى الْحَقِّ» تعبیر شده است. امام می‌فرماید: خدایا من به تو پناه می‌برم از اینکه بخواهم باطل را به حق ترجیح دهم. یعنی از اعوجاج در فطرت و خروج از موازین فطری به تو پناه می‌برم.

سؤال این است: چه می‌شود که انسان با وجود فطرت حق‌مدار، حق‌شناس و حق‌پذیر، کارش به اینجا برسد که بخواهد باطل را بر حق ترجیح دهد؟

۱ - شبهه

دلیل ترجیح باطل بر حق یکی از این سه مسئله است: یا به خاطر شبهه، یا به خاطر شهوت و یا به خاطر ترکیب هر دو. اما شبهه، یعنی جایی که حق و باطل عوض می‌شود. شبهه‌ها یا مربوط به مفهوم است یا مربوط به مصداق. یعنی یا انسان گرفتار اشتباهات مفهومی می‌شود و زیر بار ترجیح باطل بر حق می‌رود. در واقع احساسش این است چیزی که با آن مواجه است یا به آن گرویده است، حق است. اینجا باطل در چهره حق، او را تسلیم خودش کرده است. گاهی در معنا و مفهوم دچار اشتباه نیست، بلکه گرفتار شبهه در مصداق است. یعنی در انتخاب مصداق حق، گرفتار اشتباه می‌شود. باطل تا لباس حق نپوشد و حق‌نمایی نکند، طرفدار پیدا نمی‌کند. سرش هم فطرت حق‌مدار است. لذا عملیات اصلی شیطان در اینجا، فریب مفهومی و مصداقی است.

۲ - شهوت

محور شهوت توضیح نیاز ندارد. طبع حق، معمولاً در بیشتر موارد با سختی‌ها و رنج‌هایی همراه است. اصطلاحی بین ما است که می‌گوییم: سخن حق تلخ است. لذا در روایت است که: «قُلِ الْحَقُّ وَ إِن كَان مُرًّا^۴ حق را بگو، هرچند تلخ باشد». گفتن حق معمولاً آمیخته با تلخی

۴. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۳۵.

است و نیاز به نوعی سرمایه‌گذاری و تحمل شرایط دشوار دارد. نقطه مقابل آن، باطل در بیشتر موارد با شهوات و طبع راحت‌طلب و خوش‌گذران هماهنگ است و تأمین‌کننده آن است. نتیجه آن می‌شود: «ایثار الباطل علی الحق».

باید مواظب بود که افکار عمومی دچار شبهه نشود و مردم گرفتار شهوات نشوند. الآن جامعه ما در مخاطره شهوات است. خطر جدی است. موجی است که می‌آید و ذائقه فطری را دچار آسیب می‌کند و طبیعت را بر فطرت غلبه می‌دهد. «ایثار الباطل علی الحق» چه در محور شهوات و چه در محور شبهات و چه در ترکیب این‌ها، باعث می‌شود فطرت سرکوب شود و غریزه و طبیعت میدان‌دار باشد. در محور شهوت، عملیات شیطان خیلی گسترده است.

هیچ کس در امان نیست

عمده مشکل ما در این باره، در محورهای عملی و در زندگی روزمره است؛ آنجا که انسان حقی را می‌شناسد، اما آن را فرومی‌گذارد، به خاطر وسوسه و انگیزه‌های شیطانی. حق را می‌شناسد، نه شبهه مفهومی دارد و نه شبهه مصداقیه؛ بلکه مسئله غلیان و سرکشی شهوت است. معنای شهوت خیلی وسیع است. شهوت عمدتاً در اذهان عمومی به شهوت جنسی تعبیر می‌شود. حال آنکه انواع و اقسام مشتتهیات نفسی را در بر می‌گیرد و ضربه آن خیلی اساسی است و زمینه را برای افتادن در چاه‌های عمیق آماده می‌سازد. خیلی‌ها از اینجا ضربه خورده‌اند. شهوت در جاه و مقام و همچنین شهوت در امور جنسی، به ارتداد کامل انجامیده است! نقطه شروع، جاه‌طلبی است.

امتداد آن اعوجاج‌های اخلاقی غیرقابل گفتن است و در نهایت، ارتداد کلی و مطلق.

انسان چیزی را می‌داند که حق است و دچار شک و شبهه هم نیست؛ ولی به خاطر نفسانیت خود، باطل را ترجیح می‌دهد. امتدادش می‌تواند گرفتار شبهه در اصل جریان الهی و دین حق شود. هیچ کس هم در امان نیست. لذا حضرت سجاد (علیه‌السلام) می‌گویند: «خدایا به تو پناه می‌برم از اینکه باطل را بر حق ترجیح دهم». لذا دو کار باید انجام دهیم: یک تقویت بصیرت در محور نظری و در برابر شبهات، پیدا کردن شاخص‌ها و معیارها، دیگری تقویت تقوا و مراقبت در محورهای عملی است. دومی زمانی به دست می‌آید که در مصداق‌های کوچک تسلیم باشیم. جایی که می‌بینید حق است، کوتاه بیایید؛ حتی اگر تلخ باشد.

کلمه‌ی فتنه را هم از خود قرآن کریم وام گرفته‌ام که فرمود: «وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً»^۵ و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید». در حرکت‌های جمعی تاریخی، اگر جامعه‌ای در ارتباط با ولایت الهی کم بگذارد، فتنه رخ می‌دهد. فتنه، تاریخ‌سوز است، نه فقط جامعه‌سوز. اگر آتش فتنه، یعنی خروج از ولایت الهی، شعله‌ور شود، تاریخ‌سوز است و همه را خواهد سوزاند. البته مسئولیت آن به عهده فتنه‌گران است.

فتنه در کلام امیر المؤمنین علی (ع)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه آنجایی که بحث حق و باطل و فتنه و شبهه را مطرح می‌کند، می‌فرماید: «يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ؛^۶ مستی از آن برداشته می‌شود و مستی از این». یک خرده از حق می‌گیرد و یک خرده از باطل؛ این‌ها را باهم ترکیب می‌کند، جا می‌اندازد و فریب می‌دهد. وَاَلَا اِذَا بَغْوَيْدِ اِيْنِ باطل است هیچ کس پذیرش نمی‌کند.

عمدتاً آنچه در فتنه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، فکری و ایدئولوژیک اتفاق می‌افتد، همین شبهه است که یا شبهه در معنا و مفهوم است یا شبهه در مصداق است. اصلاً وقتی که می‌گوییم فتنه، یعنی فضا غبارآلود شد و شبهه حاکمیت پیدا کرد. شبهه که حاکم شد، ابرها جلوی خورشید حق و حقیقت را می‌پوشانند و جایی که ابر فتنه غلبه می‌کند و خورشید حق پشت این ابرها قرار می‌گیرد، میدان جولان دادن باطل است. منتها اینجا باطل خودش را به جای حق نشانده و خود را حق معرفی می‌کند.

مصداق تاریخی فتنه در صدر اسلام

در سوره مائده آیه ۵۴ «مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ» مصداق تاریخی جدی در صدر اسلام دارد و می‌شود گفت آیه شریفه، به نحوی آینده‌نگاری و پیش‌گویی کرده است. مصداقش بازگشت از ولایت الهی و آن فتنه عظمی است که بعد از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رخ

۶. نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۸۸.

داد. مقدمات آن با همدستی جریان کفر و نفاق در دوران خود حضرت ریخته شد و با رحلت حضرت تحقق پیدا کرد. جریان سقیفه اعظم فتنه‌ها، در مقابل حقیقتی به نام غدیر است. آنچه رخ داد و پرچمی که آنجا بلند شد، جانشینی پیغمبر بود. در آنجا اصل مسئله یک کلمه بود، «دموکراسی» و مراجعه به بزرگ‌ترها. استناد به بیانات پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله) کردند که حضرت فرموده‌اند: اجتماع بزرگان امت من خطا نمی‌کنند.

در روایت است که: «ارْتَدَّ النَّاسُ؛^۷ مردم مرتد شدند»، البته «إِلَّا ثَلَاثَةً أَبُو ذَرٍّ وَ سَلْمَانَ وَ الْمِقْدَادُ» هم دارد؛ اما شما خیلی روی آن عدد دقیق نشوید؛ بلکه این یعنی واقعاً کسی نماند. از آن خیل عظیم چند ده هزار نفری بیعت کرده در غدیر، چند نفر بیشتر نماندند.

در جنگ صفین و رویایی معاویه در برابر امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، پیچیدگی‌های موضوع بیشتر شد. قصه‌ی عمروعاص و قرآنی که روی نیزه قرار می‌گیرد و قصه‌ی حکمیت و...

این‌ها باطل‌های حق‌نما و سراب‌های آب‌نما هستند. در فتنه‌های ایدئولوژیک می‌بینید که چه خبر است. مثلاً در معنویت‌های نوظهور، بازگشت به خویشتن و خودشناسی و... کتاب‌های جذابی معرفی می‌شود. به ظاهر حق هستند و با این پرچم‌ها به میدان می‌آیند و برخی جوانان را تسلیم می‌کنند. در فتنه‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی نیز چنین است. پس یا اشتباه موضوعی می‌شود یا اشتباه مفهومی یا تلفیقی از این دو است که نتیجه آن می‌شود سرگردانی و

۷. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۲۲، ص ۳۵۳.

حیرت، در چنین فضاهایی کسانی که شاخص و بصیرت نداشته باشند، در دام می‌افتند و می‌شود «ایثار الباطل علی الحق». گاهی در زندگی شخصی است، گاهی در زندگی خانوادگی است، گاهی در زندگی اجتماعی است، گاهی در زندگی جمعی امتی است. این اشتباهات هر کدام خسارت خاص خود را دارد. بعضی از «ایثار الباطل علی الحق» خسارتش تاریخی است؛ یعنی باید هزار سال تلاش شود تا بتوان اصلاحش کرد.

ضرورت توجه به معاد

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»^۸

معادباوری و یاد معاد و معرفت نسبت به آخرت و توجه به آن، بهترین راه برای حفظ از فتنه‌های آخر الزمان است. یاد معاد انسان را وسط تمام جاذبه‌های دنیایی و معصیت‌ها حفظ و صیانت می‌کند و حصارى به اسم «تقوا» دور شما قرار می‌دهد که باید آن را تقویت کرد.

سروصداها در دنیا خیلی زیاد است و بیشتر این سروصداها، صدای شیاطین است تا ما صدای خدا را نشنویم. این آشفته‌بازار و شلوغی‌ها و سروصدا، از عالم واقعی تا عالم مجازی، یک پدیده‌ی جدید برای به بند کشیدن انسان و غافل کردن او است. سر انسان را شلوغ می‌کنند تا خودش را گم کند. این صداها از بیرون می‌آید و ما را به بیرون از خودمان متوجه می‌کند و از خود غافل می‌سازد. ممکن است انسان در

۸. مائده: ۱۰۵.

این غفلت، زمین گیر شود و در دام بیفتد. یک وقت به خودش بیاید و ببیند جبران گذشته‌ها ممکن نیست یا خیلی سخت است.

فصل دوم

نهم دی؛ یوم الله

تلاش دشمن برای ناکام گذاشتن انقلاب اسلامی

ملت عزیز ما در جریان انقلاب اسلامی، کاری حقیقتاً بزرگ انجام داد: معادلات را در سطح جهانی به هم ریخت، زلزله‌ی عظیم جهانی به وجود آورد که جریان استکبار و مزدورانش را به چالش کشید، ابهت ابرقدرت‌ها را درهم شکست، حرف‌های تازه‌ای برای بشر معاصر مطرح کرد، به مستضعفان و مؤمنان سراسر عالم روحیه و امید داد، افق‌های تازه‌ای پیش روی بشریت گشود، یک نظام شایسته و مقتدر و ریشه‌دار با حرف‌های تازه و نو، با عنوان جذاب جمهوری اسلامی ایران، پیش‌روی انسان معاصر قرار داد که یک الگوی تازه از مردم‌سالاری دینی محسوب می‌شود.

هر روز این نظام مستحکم‌تر و قوی‌تر و بالنده‌تر شد. به تعبیر قرآن کریم: «شَجَرَةٌ طَيِّبَةٌ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»^۹ درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است». پیش رفت و پر و بال گرفت و شاخ و برگ گستراند و میوه‌های تازه داد.

در نقطه‌ی مقابل، جبهه‌ی استکبار جهانی، از سران کفر تا مزدوران آن‌ها، جریان نفاق را در برابر انقلاب اسلامی عزیز ما قرار داد و هر روز که حیات ننگینشان بیشتر در مخاطره افتاد، از همان نقطه‌ی اول، شروع به مقابله و رویارویی با انقلاب اسلامی کردند. این رویارویی به خاطر جوهر دینی و گوهر الهی انقلاب اسلامی ما بود. اتصال انقلاب اسلامی به وحی و ملکوت و داشتن پیام‌های نوین الهی و زیست دینی

۹. ابراهیم: ۲۴.

برای بشریت تشنه و سرخورده‌ی این روزگار، باعث شد به طور طبیعی در برابر جاهلیت مدرن قرار گیریم. بنابراین از روز اول شروع به انواع و اقسام طراحی‌ها و دشمنی‌ها کردند و درست در نقطه‌ی مقابل، ملت عزیز ما شروع به آفرینش حماسه‌ها کرد. شما یک عرصه‌ی رویارویی را می‌بینید از انواع و اقسام فتنه‌انگیزی‌ها و دشمنی‌ها از یک سو و از طرف دیگر آفرینش حماسه‌ها.

طلیعه‌ی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی

ساختن یک الگوی تمدنی، مقدمه‌ای است برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی که بزرگ‌ترین هدیه‌ای است که می‌توان به بشر امروز داد. تمدنی مبتنی بر دانش، حکمت، عدالت، معنویت، رفاه، آسایش و آرامش که گم‌شده‌های بشر معاصر است. تمدن اسلامی چنین ویژگی‌هایی دارد. انسان سرگشته‌ی امروز دلبسته‌ی رسیدن به چنین تمدنی و نوسازی و بازآفرینی آن است؛ لذا از این پیش‌مقدمه‌ی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی استقبال کرده است. امروز در سراسر جهان، انقلاب اسلامی طرفدار دارد. در اروپا، آمریکا، آفریقا، آمریکای لاتین و سراسر عالم، عاشقان انقلاب اسلامی را می‌بینید.

رسالت نسل ما، به‌خصوص جوانان، در این روزگار این است که زیر ساختن این تمدن بزرگ و عظیم شانه دهند تا مقدمه‌ای برای دلدادگی مردمان به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شود و انتظار را در بین آن‌ها تشدید کند.

این اتفاق در ایران با شکل‌گیری نظام اسلامی تا حد زیادی رخ داده است. با اینکه هنوز همه‌ی آرزوهای ما در نظام اسلامی محقق نشده،

کارهای اولیه در سه دهه‌ی گذشته دل بسیاری را در دنیا برده است. حال تصور کنید که موفق به تکمیل این نمونه شویم و یک جامعه، کشور و نظام الگو طراحی و به بشریت ارائه شود. زیبایی نظام ما و جلوه‌ی ویژه‌اش در ولایت است. انسجام، سازمان‌دهی اجتماعی و حاکمیتش، طبق نظم شناخته‌شده‌ی امروز جهان است که به آن دموکراسی و مردم‌سالاری می‌گویند؛ منتها در وجهه‌ی ولایت الهی.

الگو، الگوی بسیار ممتازی است و در بین خردمندان جهان، خواهان و مشتاقان فراوانی دارد. با این حال فراموش نکنیم که این مرحله تحت فشار اتفاق خواهد افتاد و مستکبران و قلدرهای جهانی، همان کسانی که ثروت‌های مادی و معنوی جهانیان را به تاراج می‌برند، نمی‌خواهند که قدرت جدیدی شکل گیرد. برایشان غیرقابل تصور و تحمل است، اما به رغم خواسته‌ی آن‌ها و به اراده‌ی حضرت حق، این قدرت جدید در حال شکل‌گیری است و خود را نشان می‌دهد و با جاذبه‌اش، موج گسترده‌ای را در سراسر عالم به راه انداخته است. طبیعی است که با آن مخالفت کنند؛ چراکه انقلاب اسلامی، مستکبران را تحقیر کرد. آمریکایی‌ها شکوهی برای خود داشتند و رژیم صهیونیستی و دیگران هم برای خود اعتباری فراهم کرده بودند؛ ولی بر اثر درخشش برق انقلاب اسلامی و انفجار نوری که در ایران عزیز ما رخ داد، آن‌ها در بین ملت‌ها رسوا شدند و با انقلاب اسلامی، حیات ننگین آن‌ها به مخاطره افتاد. طبیعی است که دست و پا می‌زنند، مقاومت و توطئه می‌کنند و هر کاری انجام می‌دهند تا این نور خاموش شود و جز به خاموش شدن آن راضی نمی‌شوند.

روزهای خدایی در انقلاب اسلامی

از ابتدای انقلاب اسلامی، یعنی ۲۲ بهمن تا زمان ما، با منظومه‌ای از روزهای خدایی در تاریخ انقلاب اسلامی مواجه هستیم که با عنوان «یوم الله» شناخته می‌شود؛ روزهای بزرگ و سرنوشت‌ساز و تاریخ‌ساز و آینده‌ساز و عزت‌آفرین و بیداری و عزت‌خواهی و استقلال‌خواهی. این‌ها روزهای عادی نیستند و خدای متعال در قرآن کریم فرمان داده که روزهای خدایی باید در ذهن و خاطره‌ی ملت‌ها همواره حاضر و پررنگ و درخشان باقی بماند و نباید اجازه دهند بر این روزها گرد و غباری بنشیند. دستور این است: «وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ؛^{۱۰} و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن.» اولیای خدا موظف شده‌اند که روز آزادی، عزت، استقلال و بصیرت ملت‌ها را به یادشان بیاورند.

یکی از مصادیق یوم‌الله

در پاسخ به یکی از پیچیده‌ترین اقدامات دشمنان، ملت عزیز ما یکی از پرافتخارترین حماسه‌ها را در نهم دی سال ۱۳۸۸ آفرید و برگ زرین حماسه دیگری را به تاریخ خود افزود. نهم دی محصول بصیرت و فهم عمیق دینی و ولایت‌مداری و تعهد انقلابی ملت و رهبر عزیز ما در برابر یکی از پیچیده‌ترین توطئه‌ها است. با گذشت سال‌ها از جریان فتنه، وقتی آن را مطالعه می‌کنیم و جوانبش را می‌بینیم، به پیچیدگی و خطرناک بودن آن فتنه‌ی بزرگ

۱۰. ابراهیم: ۵.

و توطئه‌ی عظیم بیشتر پی می‌بریم و به همان اندازه نیز عظمت حادثه‌ی ۹ دی و این روز انقلابی بیشتر برایمان آشکار می‌گردد.

تلاش دشمن برای تحریف حماسه‌ی ۹ دی

تأکید جبهه‌ی کفر و نفاق در وهله‌ی نخست، این است که ماجرای ۹ دی کمرنگ و به فراموشی سپرده شود. در گام دوم اصرار دارند که تحریف شود. این دو در دستور کار جبهه‌ی کفر و نفاق هست و ملت عزیز ما با یادآوری و زنده نگاه داشتن حماسه‌ی ۹ دی، درست در مقابل این خط شیطانی عمل می‌کند.

نباید بگذاریم این روز بزرگ به فراموشی سپرده و پیام‌های این روز بزرگ تحریف شود و دست‌خوش حاشیه‌سازی‌ها شود. هم‌چنان وسط حافظه‌ی تاریخی ملت عزیز ما، مثل یک تابلوی پرافتخار و پررنگ و بیدارکننده باقی بماند و ملت ما را هم‌چنان هوشیار و سرزنده وسط میدان نگاه دارد.

تلقی اولیه این بود که ماجرا یک سوءتفاهم انتخاباتی است. یکی از مصادیق تحریف همین است. من شنیده‌ام که می‌گویند: چقدر می‌گویید فتنه؟! یک سوءتفاهم در جریان انتخابات و آن رقابت پرشور انتخاباتی بود، بعضی‌ها دچار شبهه شدند، ولی سؤالشان را بد مطرح کردند که منجر به مشکلاتی در سطح جامعه شد. می‌خواهند اصل مسئله را تحریف کنند.

فصل سوم

فتنه سال ۸۸؛

سناریوی از پیش طراحی شده

تبیین ابعاد مختلف فتنه ۸۸

مسئله فتنه سال ۸۸، شکل‌گیری یک توطئه‌ی کاملاً سنجیده و دارای پشت‌صحنه و اتاق‌فکر و طراحی و برنامه‌ریزی و رسانه و شبکه‌های انتقال پیام بود. یک سناریوی کاملاً از پیش طراحی‌شده که به بهانه‌ی اجراء انتخابات بود به وسیله آدم‌های کم‌ظرفیت و کم‌بصیرت صورت پذیرفت. پشت‌صحنه، ماجرای دیگری است و دقیقاً می‌شود گفت فتنه‌ی آمریکایی - اسرائیلی بود.

یک مسئله‌ی ساده و عادی نبوده که بعضی‌ها در گوشه و کنار قلم‌فرسایی می‌کنند و در بین جوانان و بعضی دانشگاه‌ها، درصدد هستند مسئله را روتوش کنند و طور دیگری نشان دهند.

ما در این قصه با یک توطئه‌ی فوق‌پیچیده‌ی دشمن مواجه بودیم. نشانه‌ها و علائم و اسنادش فراوان است که این قضیه از پیش طراحی شده بود؛ منتها دشمنان ما به دنبال فرصت بودند. این مدل توطئه‌ها کاملاً مبتنی بر برنامه‌ی انتخاباتی برنامه‌ریزی می‌شود و امروزه بسیاری از ملت‌های دنیا آن را تحت عنوان انقلاب رنگی می‌شناسند و طراحی‌ها و ابعادش هم تعریف شده است. تمام نشانه‌های آن در این جریان فتنه وجود داشت. به مسئله باید این‌گونه نگاه کرد.

فرصت ظهور این فتنه، برنامه‌ی انتخاباتی بود که در کشور ما در حال انجام بود و به اوج شور و التهاب انتخاباتی هم رسیده بود و می‌رفت که یک حماسه‌ی تاریخی را برای ملت ما رقم بزند که زد و به قول جوان‌ها برندی شد برای مردم‌سالاری دینی در سطح عالم.

۸۵٪ حضور ملت ایران در انتخابات، یک رکورد فوق‌العاده در تاریخ دموکراسی‌های جهان است که ملت رشید ما آن را برای خودش ثبت

کرد. درست در کنار این قضیه، آن ماجرای طراحی شده به میدان آمد و از همه‌ی ظرفیت‌ها و زمینه‌ها، از جمله کم‌ظرفیتی بعضی کاندیداها، ساده‌اندیشی برخی ستادهای انتخاباتی، شور و التهاب ایجادشده در جامعه، اشتباهات بعضی‌ها در ذهن‌انگیزی اجتماعی، سوءاستفاده کرد و فرصت را غنیمت شمرد و وارد این جریان شد و شعار طراحی‌شده‌ی تقلب در انتخابات را به میدان آورد و شد آنچه شد.

ملت عزیز ما چشم باز کرد و ملاحظه کرد که شگفتا! تمام جبهه‌ی کفر و نفاق یک‌باره به میدان آمده است. آیا می‌شود بدون طراحی‌های قبلی چنین اتفاقی رخ دهد؟ تمام ضدانقلاب‌ها، با تمام سلیقه‌ها و انواع و گرایش‌های خود به میدان آمده و صف‌آرایی کرده و یک جنگ احزاب از نوع جنگ نرم در برابر انقلاب اسلامی و ملت عزیز و بزرگوار ما راه انداختند.

در این جریان، البته، عده‌ی زیادی فریب خوردند و خود آن‌ها هم زود متوجه شدند و با خط فتنه مرزبندی کردند. بعضی در روزهای اول و بعضی در ماه اول و بعضی در دو سه ماه بعد متوجه شدند و فاصله گرفتند. عوامل و نمادهایی که به میدان آمد، آن‌ها را متوجه کرد و بیدار شدند و خود را کنار کشیدند و به تدریج مرزبندی‌ها شفاف‌تر شد. عده‌ی خاصی هم باقی ماندند، اگرچه در اقلیت؛ این‌ها بر سر همان افکار پریشان و برداشت‌های غلط خود باقی ماندند.

جریان فتنه عمدتاً روی این نقطه متمرکز شد که بی‌اعتمادی و شکاف اجتماعی به وجود آورد و سوءتفاهم‌ها را که به صورت اولیه بین مردم شکل گرفته بود، به صف‌آرایی تبدیل کرد و کار را به منازعه و درگیری

و هرج و مرج و ناامنی کشاند تا یک فروپاشی درونی برای این نظام الهی رقم زند.

دشمنان ما قدم به قدم، طبق آن سناریوی طراحی شده، قضایا را پیش می‌برند؛ اما اتفاقی که در برابر این فتنه‌ی بزرگ افتاد، برای دشمنان ما غیر مترقبه بود.

خسارت‌های جریان فتنه

جریان فتنه - که باید دقیقاً با همین واژه‌ی قرآنی روی آن تأکید کرد - یک فهرست طولانی از خسارت‌های بزرگ را به ملت ما وارد کرد که انسان وقتی یادش می‌آید، دلش خون می‌شود. جرائم رئوس و سردمداران فتنه باید همیشه در ذهن ملت ما بماند، درست در برابر خطی که می‌خواهد و تلاش می‌کند تا سران فتنه را تطهیر کند. این روزها فعال هستند و در سال‌های اخیر، خیلی فعالیت می‌کنند تا سران فتنه را تطهیر کنند و جرم آنان را کاهش دهند و دست کم بگیرند و آن‌ها را قابل اغماض بدانند و بخواهند برای آن‌ها طلب عفو کنند. پررویی آن‌ها است که هیچ‌گاه حاضر نشدند از ملت عزیز ما عذرخواهی کنند.

درست در نقطه‌ی مقابل، ملت ما مخصوصاً جوانان عزیز ما، باید به یاد بیاورند خسارت‌های بزرگ و بعضاً جبران‌ناپذیری که سران فتنه همراه با جریان استکبار جهانی و دشمنان و تعزیه‌گردانان اصلی فتنه‌ی ۸۸ به سر ملت ما آوردند. این خسارت‌ها را فهرست کنید. البته وقت می‌خواهد و خیال نکنید می‌شود به این آسانی، همه را در یک فهرست بیان کرد. خسارت‌های سیاسی و اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی و

بین‌المللی، فهرست عظیمی از جرائم و جنایات رئوس فتنه است که این‌ها را هیچ‌گاه ملت عزیز ما فراموش نخواهد کرد.

جرم فتنه‌گران:

۱. امیدوار کردن دشمن

سران فتنه دشمنان ما را که منفعل بودند، مخصوصاً با آن طلوع حماسه‌ی انتخاباتی که ملت انجام داد، امیدوار کردند و به آن‌ها روحیه دادند. دشمنانی را که دچار اختلاف شده بودند، با هم متحد کردند. آیا این جرم و جنایت کمی است؟! همین یک قلم برای یک محاکمه‌ی تاریخی و در محضر افکار عمومی و وجدان‌های بیدار کفایت می‌کند. دشمنان ملت را سرزنده و امیدوار کردن و به میدان آوردن و راه را برای آن‌ها باز کردن؛ آیا این جرم و جنایت اندکی است؟!

۲. خدشه وارد ساختن به حیثیت ایران

ملت ما از رهگذر انقلاب اسلامی و مدیریت عالی انقلاب که ولایت فقیه است و خون‌های مقدس شهدا و رشادت‌ها و جانبازی‌ها، توانسته حیثیت جهانی برای خود فراهم آورد. اما آن‌ها به حیثیت جهانی ملت ایران ضربه وارد کردند. ملتی که روزبه‌روز حیثیت و اعتبارش در نگاه ملت‌های جهان افزایش پیدا می‌کرد، درست در لحظه‌ای که می‌خواست افتخار کند و بدرخشد، در برابر افکار عمومی جهان به چهره‌ی پرفروغش خاک پاشیدند. آیا این جرم و جنایت کمی است؟!

۳. ضربه زدن به امید دوستان انقلاب اسلامی در سراسر

عالم

انقلاب ما حرکت و بیداری جهانی در پی داشته، امید مستضعفان جهان بوده و جبهه‌های مقاومت مستضعفین در برابر مستکبرین را به‌روز

کرده است. در آن‌ها تردید ایجاد کردن و به امید آن‌ها ضربه زدن، آیا جرم بخشودنی است؟! کدام محکمه‌ی عادل‌ی می‌تواند چنین جنایت‌کارانی را ببخشد؟!

۴. قانون‌شکنی

در این فتنه‌ی بزرگ، یکی از جرم و جنایت‌هایی که اتفاق افتاد، عبور از قانون و بدعت قانون‌شکنی بود. در کشوری که سال‌های سال، انتخابات سالم و تمیز و معمولی را با بالاترین نصاب‌ها از جهت سلامت در بین همه‌ی ملت‌های جهان برگزار کرده، مبانی این سلامت را زیر سؤال بردن و قانون را زیر پا گذاشتن و نهادهای قانونی را کنار زدن و با شیوه‌های کف خیابانی تولید هرج و مرج کردن به منظور گرفتن حق خیالی خود؛ آیا این جرم کمی است؟!

۵. نابود کردن سرمایه اجتماعی انتخابات

حماسه‌ی عظیم ملت ایران در انتخابات ریاست‌جمهوری خرداد ۸۸ یک حماسه‌ی بزرگ ۸۵ درصدی و چهل میلیونی بود که می‌توانست با طراوت و نشاط خود برای ما یک سرمایه‌ی اجتماعی بزرگ باشد و راه ملت ایران را در مسیر پیشرفت هموار سازد و نفس دشمنان ما را بگیرد. آیا چوب حراج زدن به این سرمایه‌ی اجتماعی عظیم، جرم بخشودنی است؟! کدام محکمه‌ی عادل‌ی این جرم را دست‌کم می‌گیرد؟!

۶. ایجاد آشوب و هرج و مرج

همان‌طور که آقا فرمودند یکی از جنایات سران فتنه و رؤوس الشیاطین، یعنی آمریکای جهان‌خوار و رژیم صهیونیستی و انگلیس خبیث و فتنه‌گران که برخی با مزد و مواجب هستند و برخی بی‌مزد و

موجب، این بود که کشور را در لبه‌ی پرتگاه خطرناک آشوب و هرج و مرج و جنگ داخلی قرار دادند.

در تمام سال‌های گذشته یکی از بزرگ‌ترین افتخارات ملت ما این است که وسط یک دریای متلاطم از آتش ناامنی، گلستان امنی به نام ایران عزیز داشته که امنیتش، درون‌جوش و زاییده‌ی فهم و ایمان ملت ایران و نیز مدیریت عالی ولایت فقیه در این کشور بوده است. امنیتی فراگیر و ریشه‌دار داشته‌ایم. آن وقت شما فرصت را فراهم کردید که تعدادی رجّال‌هی عربده‌کش به پایتخت این کشور بزرگ و برخی مناطق دیگر بیایند و فضا را باز کنند تا منافقین به میدان بیایند. هیچ‌وقت جرئت نکرده بودند که در برابر این ملت خودی نشان بدهند، اموال عمومی را به آتش بکشند، بانک‌ها و مغازه‌های مردم را غارت کنند و شهرها را به آشوب بکشند. نقطه‌ی اقتدار ملت ما یعنی امنیتش در جریان فتنه در معرض مخاطره قرار گرفت و این آن لبه‌ی پرتگاهی است که آقا فرمودند. حقیقتاً ملت را به لبه‌ی پرتگاه بردند. آیا این جنایت قابل بخشودن است؟!

انسان تعجب می‌کند که بعضی‌ها درباره‌ی سران فتنه از موضع دلسوزی به میدان می‌آیند. آیا این عده عقل سیاسی دارند؟ انسان به شعور سیاسی آن‌ها شک می‌کند. شما باید تقاضای اشد مجازات برای کسانی داشته باشید که این خسارت‌ها را به ملت ایران وارد کردند. باید تقاضای محاکمه‌های سخت به جرم بغی و فساد فی‌الارض و تولید ناامنی و ایجاد خسارت‌های عظیم مادی و معنوی داشته باشید؛ ولی از تطهیرشان سخن می‌گویید!

۷. ایجاد اختلاف در جامعه

خانواده‌ها را در برابر هم قرار دادند و اختلاف در خانواده‌ها انداختند و بچه‌ها را در برابر پدر و مادرها قرار دادند. چه حرمت‌شکنی‌هایی که در این بین اتفاق افتاد! معمولاً رقابت‌های سالم در جامعه‌ی ما شکل می‌گیرد که خیلی جذاب است و از دل آن می‌تواند انتخابات باشکوهی مثل انتخابات ۸۸ بیرون آید، ولی آنان باعث شدند گروه‌های سیاسی از مقام رقابت سیاسی خارج شوند و به مقام درگیری و منازعه‌ی با هم درآیند. آیا این جرم کمی است؟ لطمه زدن به برادری دینی در جامعه‌ای که سرمایه‌ی اصلی‌اش برادری و وحدت است، خسارت قابل جبرانی است؟!

۸. خسارت‌های اقتصادی

به این فهرست، خسارت‌های اقتصادی را نیز اضافه بفرمایید که معمولاً دیده نمی‌شود. میلیاردها دلار به ملت ما خسارت وارد کردند و باعث تشدید تحریم‌ها شدند. دولت خودش را به آب و آتش می‌زند که جلوی بعضی از این تحریم‌ها را بگیرد. از جمله دلایل پر رو شدن آمریکایی‌ها و جریان استکبار جهانی در قصه‌ی تحریم‌های اقتصادی، همین ماجرای فتنه بود. آن‌ها دست دشمنان ما را برای رفتن به سمت تحریم‌های فلج‌کننده باز کردند. لطمه‌ای که به اعتبار اقتصادی ملت ما در بازارهای جهانی وارد شد، مگر کم بوده است؟! بگذریم از خسارت‌هایی که در داخل پیش آمد.

هشت ماه سرنوشت‌ساز

ذهن ملت ایران هیچ‌گاه در ارتباط با این توطئه‌ی پیچیده و پر خسارت، نباید منفعل شود و همواره باید آن را به خاطر داشته باشد. هشت ماه

رویاری همه‌جانبه که از جریان‌سازی و غبارپراکنی و فریب افکار عمومی و تحریک و ایجاد درگیری‌های میدانی و خیابانی شروع شد تا کشته‌سازی که خاطرتان هست. گمانشان این بود که اگر در این فتنه خون ریخته شود، می‌شود ادامه‌اش داد. ناجوانمردها با طراحی‌های عجیب و غریبی، شروع به کشته‌سازی کردند تا خون‌هایی ریخته شود و بتوانند جریان فتنه را امتداد دهند؛ اما «وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»^{۱۱} و [دشمنان] مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است». فتنه کردند و همه‌ی ساز و برگ خود را به میدان آوردند؛ از اتاق‌های فکر شیطانی در آمریکا و انگلیس و کاخ سیاه بگیریید تا رجاله‌های قلم‌به‌مزد و مزدوران منافقشان را بسیج کردند و حقیقتاً جنگ احزاب راه افتاده بود. همه را به میدان آوردند و خواستند ملت عزیز ما را زمین‌گیر کنند، اما با دو پدیده مواجه شدند که هیچ‌وقت در این حد فکرش را نمی‌کردند.

دو پدیده‌ای که دشمن از آن غافل بود

۱. ولایت فقیه

چندی پیش USA Today که یک نشریه‌ی نام و نشان‌دار آمریکایی در تحلیل است، نوشت: ما در ایران با یک ابرحریف به نام آیت‌الله خامنه‌ای روبه‌رو هستیم که هم دست ما را می‌خواند و هم مردم به او اطمینان دارند. با چنین حریفی کار ما در ایران پیش نخواهد رفت.

۱۱. ال عمران: ۵۴.

در جریان فتنه، از جمله چیزهایی که خوش درخشید و بیشتر از گذشته دلبری کرد، مدیریت عالی، هوشمند، رشید، مطلع، شجاع، باتدبیر، بردبار، صبور، مهربان، لطیف و حقیقتاً متوکل و خدایی و نورانی رهبر عزیز، حکیم و عالی‌قدرمان بود. امام در مورد آقا فرموده بودند که مثل خورشید نورافشانی می‌کند؛ در جریان فتنه، درخشش بیشتر این خورشید را ملت ما و ملت‌های آزاده‌ی جهان و حتی دشمنان ما مشاهده کردند.

قدرت نرم جمهوری اسلامی در ولایت فقیه است؛ گوهری الهی و هدیه‌ای آسمانی به ملت ما که در شخص ولی فقیه تجلی یافته است. خداوند تبارک و تعالی بعد از امام راحل عظیم‌الشان، نعمتش را بر ملت ما با رهبر عزیزتر از جانمان تمام کرد و هر روز ملت‌های جهان جلوه‌های تازه‌ای از این مدیریت عالی و پرافتخار را مشاهده می‌کنند. ملت ما هر روز در سایه‌ی یک مدیریت فرحمند و خردمند و مبتکر و مجاهد و رشید و شجاع و به‌شدت مهربان و رثوف جلوه‌های تازه‌ای را مشاهده می‌کند. خدا را شاکریم. وقتی روز نهم دی را به یاد می‌آوریم، درحقیقت داریم به خاطر نعمت ولایت فقیه و شخص ولی فقیه، خدا را شکر می‌کنیم.

دشمن با چنین رهبر مبتکر و باهوشی در وسط میدان مواجه شد که شرایط را قدم‌به‌قدم بر دشمنان سخت کرد و غبار فتنه را فرونشاند و مدام بصیرت را در فضای جامعه پمپاژ می‌کرد و نفس دشمنان را گرفته بود. برای توصیفش باید همان کلمه‌ی ابرحریف را به کار ببریم که خود آنان اعتراف کرده بودند.

۲. ملتی هوشیار و ولایت‌مدار

در طرف دیگر، دشمنان با ملتی مواجه شدند که هرچند آن‌ها را بارها آزموده بودند، ولی در آزمایش سخت فتنه و فضای غبارآلود، بصیرت و وفاداری و رشادت و امانت‌داری آن‌ها را بار دیگر مشاهده کردند. دیدند این‌ها گوهر انقلاب اسلامی و ولایت و نظام الهی خود را مثل جان شیرین و جانانشان در آغوش گرفته‌اند و اجازه‌ی تعرض را به دشمنان نمی‌دهند.

حماقت دشمن در فتنه‌ی ۸۸

از چیزهایی که در جمع کردن فتنه به ما کمک کرد، حماقت دشمنان ما بود. جمله‌ی امام سجاد (علیه‌السلام) را دائماً احساس می‌کنیم که فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ أَعْدَائَنَا مِنَ الْحُمَقَاءِ؛ حمد مخصوص خدایی است که دشمنان ما را از احمق‌ها قرار داد». خیلی احمق هستند و از نشانه‌های حماقتشان این بود که هول شدند. پروژه‌ای را که طراحی کرده بودند تا در انتها به آن برسند، به آن سرعت دادند. مثلاً اهانتی که به حضرت امام کردند یا اصل انقلاب و شعارهای انقلاب را زیر سؤال بردند. زود سراغ این حرف‌ها آمدند و ملت ما آن‌ها را زودتر شناخت. حتی افراد ساده‌ی ما هم خیلی زود، عمق کینه‌ی دشمنان را شناختند.

با وجود این وقتی به اهانت به اهل بیت عصمت و طهارت و سالار شهیدان ابا عبدالله الحسین (علیه‌السلام) رسید، آن شد که شد.



فصل چہارم
انجمن اسلامی؛
کانون بصیرت

تولید بصیرت، مهمترین وظیفه‌ی انجمن اسلامی

یکی از مهم‌ترین کارهای یک انجمن اسلامی موفق، تولید بصیرت است. به این معنی که هم خود اعضا سطح فهم و دشمن‌شناسی و ولی‌شناسی‌شان تقویت پیدا کند و هم بتوانند به سایر دانش‌آموزان، دشمن را معرفی کنند؛ به‌خصوص وقتی دشمن به قیافه‌ی دوست درمی‌آید. البته به‌قدری دشمنی‌شان سنگین است که هرچه چهره‌ی خود را بزک کنند، از گوشه و کنار دندان‌های آلوده به خونشان بیرون می‌زند. اما به هر حال برخی از آدم‌های ساده‌لوح گول آنان را می‌خورند. چه کسی باید عمق دشمنی دشمنان، استکبار، منافقان، خط و مسیرهای نفوذ را به جوانان معرفی کند؟! شما یاران انقلاب، یاران رهبر و بچه‌های انقلاب. پیامبر عزیز و امام زمان و انقلاب، این را از شما می‌خواهند. انجمن‌ها را به کانون‌های بصیرت نسل جوان تبدیل کنید.

لزوم افشای جریان فتنه در مدارس

تذکر دادند که برخی جاها که بچه‌ها در مورد مسئله‌ی فتنه صحبت کرده بودند، با آنان برخورد شده بود. مثلاً روی عکس سران فتنه یک خط کشیده بودند به معنی باطل شد. از اداره، کارشناس آمده و گفته: این‌ها را جمع کنید؛ چراکه ترویج خشونت است. واقعاً جای تأسف است! کسی که این حرف را زده، حتماً معرفی کنید. دانش‌آموزی که فتنه را افشا کرده، کار خیلی درستی انجام داده است. فتنه‌ی ۸۸ هیچ وقت نباید فراموش شود، نه برای اینکه کسی را متهم کنیم؛ بلکه تبیین کنیم که چه جنایت‌ها و خسارت‌هایی به بار آمد. آقا هم آن را رها نمی‌کنند؛ زیرا به اقتصاد و حیثیت و عزت ملی ما لطمه زدند و

این خسارت‌ها قابل جبران نیست. نظام هم رأفت فوق‌العاده‌ای درباره‌ی این حضرات نشان داده است. هیچ نظامی این مسائل را تحمل نمی‌کند؛ اما نظام ولایت، عطفوت دارد؛ منتها این‌ها پر رو شده‌اند و در جریان انتخابات اخیر، سرشان را در گوشه و کنار بلند کردند و حرف‌های پوسیده‌ی دوران میدان‌داری‌شان را دوباره تکرار کردند؛ لذا باید مراقبت کرد.

کار هم باید کار بصیرتی باشد؛ یعنی با منطق و روشنگری و صبوری و بردباری وارد میدان شویم و فعالیت دشمن را رصد و سپس مطرح کنیم و مرعوب نشویم.

افق تازه در فعالیت‌های تشکلی اسلامی

به هر حال در جریان فتنه نه دی، در حوزه‌ی فعالیت تشکلی‌های اسلامی افق‌های تازه‌ای فراهم شده است و طبعاً اگر نتوانیم از این فرصت‌ها خوب استفاده نکنیم، به تهدیدهای تازه‌ای تبدیل می‌شوند خیلی از مباحث قرآنی مخصوصاً در حوزه‌ی شناخت نفاق اگر می‌خواست مطرح بشود، کار دشواری بود؛ مسئله‌ی مبتلابه نظام ما، امروز و فردا، مسئله‌ی نفاق است، جریان فتنه در کنار خسارت‌هایی که به ما زد، منافی داشت، یکی از منافع این بود که از جریان نفاق پرده‌برداری کرد، الآن دیگر خوب می‌شود، همان مبانی قرآنی را مستند به وقایع روز و حوادث نزدیک و آن چیزی که اسناد و مدارک و شواهدش هست، معرفی کرد. خواهش می‌کنم از این مسئله عبور نشود امیدوارم که ان‌شاءالله از این فرصت استفاده بشود، یعنی همه‌ی ما واقعاً اهتمام داشته باشیم، هم در تطبیق، هم شناخت این پدیده،

جوانب مختلفش، بیان مصادیقش، این‌ها می‌تواند بچه‌های ما را هم رشد بدهد، هم صیانت کند و هم کمک بکند که بتوانند نقش صیانت بخشی و نجات غریقی خودشان را در فضاهاى مدرسه‌ای ایفا کنند.

فعالیت سیاسی، آری؛ سیاسی‌بازی، ممنوع

راجع‌به اتحادیه و سیاست باید بگوییم برخی دوستان بین سیاست و فعالیت‌های سیاسی خاص، ملازمه برقرار کرده و نتیجه گرفته‌اند که اگر فلان کار سیاسی را انجام دهیم، وارد کار سیاسی شده‌ایم و اگر فاصله بگیریم، وارد سیاست نشده‌ایم و به اصل اتحاد دین و سیاست عمل نکرده‌ایم.

این دو بخش را از هم جدا کنید. سیاست برای یک جوان در حال رشد مثل شما، عبارت است از کار انقلابی؛ یعنی مجموعه‌ای از کارها اعم از شناخت انقلاب و ریشه‌ها و مبانی و ظرفیت‌ها و آینده و آرمان‌ها و توطئه‌ها و موانع و دستاوردها و...

فعالیت شما در این بخش‌ها، کار سیاسی مطلوب تلقی می‌شود. یک محور کار سیاسی، شناختی است و یک محور هم فعالیت جهادی؛ مثل کار ترویج و معرفی و مدرسه‌ی انقلاب که کم و بیش انجام داده‌اید.

شما در مورد انقلاب اسلامی روایت می‌کنید، اردوی جهادی می‌روید، خود را می‌سازید، نفوذ دشمن را رهگیری می‌کنید و به بچه‌ها آگاهی می‌دهید. این موارد کار درجه یک انقلابی، یا به عبارت دیگر، کار درجه یک سیاسی است.

یک بخش هم می‌شود فعالیت‌های موسمی، مانند برگزاری یادواره شهدا. در این مورد نیز مشغول کار انقلابی و سیاسی هستید. اما یک بخش می‌ماند و آن عبارت از جناح‌کشی‌ها است. آن بخش، آشکارترین و رویین‌ترین بخش فعالیت‌های سیاسی محسوب می‌شود. این‌ها بد نیستند؛ اگر به اندازه و اخلاقی باشد. ما مخالف این‌ها نیستیم؛ زیرا اگر این کارها نباشد، رقابت و هیجان اجتماعی و سیاسی شکل نمی‌گیرد و بخش مردم‌سالاری دینی نظام محقق نمی‌شود. پس این‌ها باید باشد؛ اما به اندازه و بدون اسراف. ما به اصل این فعالیت‌ها هیچ اشکالی وارد نمی‌کنیم. یک گروه می‌شوند اصلاح‌طلب و یک گروه اصولگرا و یک گروه اعتدالی. البته همه‌اش اسم است. آقا می‌فرمایند: ببینید چه کسی انقلابی است و چه کسی انقلابی نیست؛ چراکه مسئله این است. ممکن است کسی پرچم اصولگرایی دست گرفته باشد، اما حقیقتاً انقلابی نباشد. باید ببینیم اهل ایثار و بصیرت و جهاد و ساده‌زیستی است و به آرمان‌های انقلاب اسلامی توجه می‌کند و برخورد اخلاقی دارد یا نه. اگر دارای چنین ویژگی‌هایی باشد، انقلابی محسوب می‌شود. اما اگر اهل بده‌بستان و کارهای غیر خدایی باشد، حتی چنانچه پرچم اصولگرایی دستش گرفته باشد، انقلابی نیست.

کسی که به امام و راه امام و ولایت فقیه و قانون اساسی و ولیّ امر دلبستگی دارد، انقلابی محسوب می‌شود. ضمناً باید دید چقدر نسبت به آمریکا و رژیم صهیونیستی و انگلیس خبیث‌الرّی دارد و اعلام موضع می‌کند. اگر این‌گونه بود، انقلابی است و چنانچه نبود، غیر انقلابی است.

انقلاب ایران، زمینه‌ساز ظهور

برادران و خواهران عزیز! انقلاب اسلامی به کوری چشم دشمنان، به آستانه‌ی چهل سالگی رسیده است. این نظام برخاسته از فقه آل محمد و امام صادق (علیهم السلام) است، در انقلاب حسینی ریشه دارد و آرمانش مهدی فاطمه (س) است. علی‌رغم خواسته‌ی تمام مستکبران جهان که دست‌به‌دست هم داده‌اند، انقلاب ما سربلند و باکفایت ایستاده است و خداوند متعال را از این بابت شاکریم. جالب آنکه دشمنان ما هر روز وضعشان خراب‌تر شد و این نشانه‌ی اتفاقات بزرگ در عالم است. بشارت داده شده بود قومی که می‌آید، مقدمات را برای ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فراهم خواهد آورد.

تأثیرات شگرف انقلاب اسلامی در سراسر جهان

پیام انقلاب اسلامی در سراسر عالم شنیده شد. هیچ‌کس باور نمی‌کرد در قلب آفریقا و نیجریه، یک قیام شکل گیرد و شیخی که عاشق امام بود، سر بلند کند. در نیجریه تعداد ارادتمندان به امیرالمؤمنین (ع) به عدد انگشتان دست نمی‌رسید؛ اما در اربعین حسینی و در سخنرانی شیخ زکراکی و با خطاب به امام عصر بیان شد که اگر در روز عاشورا، حسین (علیه‌السلام) فقط یک جون - غلام سیاه - در کنارش داشت، امروز شما بیست میلیون جون آماده‌ی شهادت در نیجریه دارید.

چه اتفاقی در عالم می‌افتد و ما کجای کار قرار داریم؟ این موج انقلاب اسلامی است که منطقه را خیلی زود در بر گرفت. برای مثال مصر را گرفت که البته بعدها حفظ نشد و آتش زیر خاکستر گردید که بعدها افروخته خواهد شد. این موج، لبنان عزیز را به مرکز مقاومت تبدیل

کرد که تمام لشکرهای عربی را زمین گیر کرد. اکنون، یاران امام تربیت شده‌اند و در لبنان، سیدها و شیخ‌های رشید، یکی پس از دیگری قیام کردند تا نوبت به سید حسن نصرالله رسید. حاصلش این شد که رژیم صهیونیستی در مدت هشت روز مجبور به عقب‌نشینی و در عالم روسپاه شد. این موج، در اروپا و آمریکا نیز احساس شده و می‌شود.

در برابر، دشمنان شما روزبه‌روز بدبخت‌تر شدند و همه‌ی آن‌ها به سردار ایرانی، قاسم سلیمانی، توجه دارند. شیعه‌های زیدی یمن خدمت سید حسن نصرالله رفتند و گفتند ما معتقد هستیم که باید به امام قائم بالسیف اقتدا کنیم و امام قائم بالسیف ما شما هستید. سید حسن نصرالله گفت: من و همه‌ی حزب الله، شاگردان مکتب سیدعلی هستیم و امام قائم بالسیف او است. این یمنی‌ها با تمام قوا در برابر جریان آل سعود ملعون ایستاده‌اند. آل سعود فکر می‌کرد که هشت‌روزه یا یک‌ماهه، یمن را تصرف خواهد کرد. ولی یمنی‌ها که به گمان سعودی‌ها، بیابان گرد و بدوی بودند، استوار، رشید و قاطع جلوی آنان ایستادند.

ایران پایگاه فرماندهی، پشتیبانی و حمایت مادی و معنوی از جریان مقاومت و تشیع در سراسر عالم شده است.

آمریکا امروز وضعیتش از هر روز دیگری بدتر است. ترامپ فاسد فاجر که فساد اقتصادی و جنسی و اخلاقی دارد، به کاخ سیاه رفت تا ملت آمریکا را به دست خودشان به روز سیاه بنشانند و ان‌شاءالله این اتفاق خواهد افتد. دشمنان با ابرقدرتی جدید مواجه شدند که تکیه‌گاهش معنویت و ایمان است.

ان شاء الله خداوند تبارک و تعالی برکات مادی و معنوی خود را بر زندگی شما نازل کند. فرشته‌خو باشید و فرشته‌سان زندگی کنید و از نور حضرت زهرا (سلام الله علیها) نصیب داشته باشید. با صلابت، آراسته، مهربان و با استقامت باشید و برای تمدن‌سازی آماده باشید. ایران عزیز ما فقط با وجود، فکر، دانش، معنویت و صفای شما ساخته می‌شود.

نهم دی محصول بصیرت و فهم عمیق دینی و ولایت
مداری و تعهد انقلابی ملت و رهبر عزیز ما در برابر یکی از
پیچیده‌ترین توطئه‌ها است. با گذشت سال‌ها از جریان
فتنه، وقتی آن را مطالعه می‌کنیم و جوانبش را می‌بینیم، به
پیچیدگی و خطرناک بودن آن فتنه‌ی بزرگ و توطئه‌ی عظیم
بیشتر پی می‌بریم و به همان اندازه نیز عظمت حادثه‌ی
۹دی و این روز انقلابی بیشتر برایمان آشکار می‌گردد.